

مقایسه ویژگی‌های سبکی حماسه‌های ملی و دینی بر اساس شاهنامه و خاوران‌نامه

مجید رضا خزاعی وفا*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۲

چکیده

اغلب، شنیدن واژه "حماسه"، آثاری چون «شاهنامه» فردوسی را در اذهان تداعی می‌کند و پذیرفتن اینکه اثری چون «خاوران‌نامه» هم زیرمجموعه نوع ادبی- حماسی است، برای بسیاری از افراد دشوار است؛ چراکه شخصیت محوری اینگونه آثار شخصیتی واقعی، تاریخی و دینی است. حماسه نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد. حماسه دینی در کشورمان از روزگاران باستان تا کنون راه درازی را پیموده است. «خاوران‌نامه» از حماسه‌های دینی قدیم شیعه است که موضوع اصلی آن سفر و حملات حضرت علی(ع) به سرزمین خاوران به همراهی مالک/شتر و جنگ با قباد پادشاه خاورزمین و امرای دیگر مانند تهماسب شاه است. سعی بر این است که در وهله اول حماسه دینی تبیین شود، سپس به بررسی تحلیل محتوا و از طریق مقایسه، شاخصه‌های سبکی «شاهنامه» با «خاوران‌نامه»، بهتر روشن شود. بزرگ‌ترین و معتبرترین منظومه حماسی ملی «شاهنامه» فردوسی است. مقایسه سبک حماسه ملی با حماسه مذهبی با تکیه بر دو اثر فاخر منظوم «شاهنامه» و «خاوران‌نامه» عنوان و هدف اصلی پژوهش است.

کلیدواژگان: شاهنامه، خاوران‌نامه، شاخصه‌های سبکی، حماسه مذهبی.

مقدمه

نخستین بدین نامه دلگشای
سختن نقش بستم بنام خدای
خداوند هوش و خداوند جان
خداوند بخشنده مهربان
(مرادی، ۱۳۸۲: ۱۰)

حماسه در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است و از قدیمی‌ترین و مهیج‌ترین انواع ادبی است. «در اصطلاح، نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد» (صفا، ۱۳۶۹: ۳). در حماسه، تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته است. اما همانطور که فردوسی در این ابیات می‌گوید: خواننده باید از سطح افسانه‌ای آن بگذرد و به ژرف ساخت و حقیقت آن برسد:

تو این را دروغ و فسانه مدان
به یک سان روش در زمانه مدان
از او هرچه اندر خورد با خرد
دگر بر ره رمز معنی برد
(فردوسی، ۱۳۶۹: ۹)

برای حماسه ویژگی‌هایی برشمرده‌اند و حماسه را از جنبه‌های مختلف تقسیم بندی کرده‌اند؛ از یک دیدگاه حماسه را به دو دسته طبیعی و مصنوعی تقسیم می‌کنند و از چشم اندازی دیگر، به حماسه‌های اساطیری و پهلوانی، حماسه‌های عرفانی و حماسه‌های دینی تقسیم کرده‌اند (شمیسا، ۱۳۷۴: ۵۲-۵۴) که حماسه‌های دینی در زیرمجموعه حماسه‌های مصنوعی قرار می‌گیرد. «خاوران نامه»/بن حسام از بهترین نمونه‌های حماسی دینی است، و به سبب سرودن این منظومه، وی را "فردوسی ثانی" لقب داده‌اند. زیرا اندیشه تابناک و اعتقاد راسخ او، سخن فردوسی بزرگ را فرا یاد می‌آورد، آنجا که به دلیل اظهار تولی به مقام شامخ اهل بیت، مورد آزار و اذیت فردی همچون سلطان محمود غزنوی واقع می‌شود:

منم بنده اهل بیت نبی
گرت زین بد آید گناه من است
برین زادم و هم بر این بگذرم
چنان دان که خاک پی حیدرم
ستاینده خاک پای وصی
چنین است آیین و راه من است
(فردوسی، ۱۳۶۹: ۴۴)

ابن حسام «خاوران‌نامه» را در حدود ۲۲۵۰۰ بیت سروده که یکی از قدیم‌ترین حماسه‌های شیعی است، و در خصوص جنگ‌های حضرت علی(ع) سروده شده است (احمدی بیرجندی، ۱۳۶۴: ۲۰).

همانطور که ذکر شد این اثر فاخر تقلیدی از «شاهنامه» حکیم ابوالقاسم فردوسی است. در این پژوهش به بررسی و مقایسه شاخصه‌های سبکی حماسه‌های دینی و ملی با تکیه بر دو اثر ماندگار ادبیات پارسی، «خاوران‌نامه» و «شاهنامه» پرداخته شده است. حماسه «خاوران‌نامه» از دو جهت دارای ویژگی است: اولین ویژگی شکل ظاهری آن است، اینگونه که در قالب توصیف، روایت و بیان زنجیره‌ای از وقایع در پی یکدیگر عرضه شده است؛ بدین صورت که سپاه اسلام از مدینه، راهی مغرب زمین می‌شود و به ترتیب، در سرزمین‌های خاوران، قهرمان، ساحل زمین و قام، کافران (= غیر مسلمانان) را برمی‌اندازد، اهل آن مناطق را به دین اسلام دعوت می‌کند. دومین ویژگی‌ای که در این حماسه باید به دنبال آن بگردیم، قهرمان‌سازی است. حضرت علی(ع) قهرمانی است دلیر، جنگاور و شکست‌ناپذیر، و در جنگ‌های بزرگ این حماسه، حضوری فعال دارد؛ به طوری که به حق می‌توان - آنگونه که در بسیاری از منابع دیده می‌شود - «خاوران‌نامه» را داستان رشادت‌های آن حضرت نامید. ایشان برای پیشبرد جنگ، از نیروهای غیبی مثل دعا، سروش، پیامبر، خضر و... کمک می‌گیرد. وی از نگاه دشمنان‌اش، بسیار بزرگ، دلاور و شکست‌ناپذیر وصف می‌شود و این خود نکته‌ای مهم در قهرمان‌سازی است؛ مثلاً زید بن افلح درباره او به خاوران قیاد می‌گوید:

تو در کار این مرد، دانانه ای / به پیکار با او توانانه ای
به مردی او در جهان مرد نیست / ز مردان کس او را هم‌آورد نیست
چو تیغ از میان برکشد روز کین / بگرید چو ابر آسمان بر زمین
به رزم اندرون، سر فشاند همی / به بازارگانان نماند همی
(مرادی، ۱۳۸۲: ۹۹، ۹۳۷-۹۴۰)

با این اوصاف، می‌توان شخصیت حضرت علی(ع) را صرف نظر از وجهه دینی‌اش، معادل رستم در «شاهنامه» فردوسی دانست. از نکات قابل توجه درباره این قهرمان می‌توان ذوالفقار، دلدل، و کندن در قلعه‌ها و شهرها را ذکر کرد. در «خاوران‌نامه»،

شاهد جنگ‌هایی متعدّد هستیم که با انگیزه مذهبی میان مسلمانان و کافران (= غیر مسلمانان) درمی‌گیرد و در نهایت، قهرمان اصلی داستان، یعنی علی(ع)، با استعانت از قوّت جسم و عوامل ماوراء طبیعی، این جدال‌ها را به نفع مسلمانان پایان می‌دهد. در این حماسه، وصف میدان کارزار، بسیار شبیه «شاهنامه» فردوسی است و در این توصیف‌ها، صور خیال و مبالغه، نمودی فعال دارد. برای نمونه بخش‌هایی را از جنگ قطّار با علی(ع) می‌خوانیم:

نهادند بر شیر، زین پلنگ	بیوشید قطّار خفتان جنگ
سپه را به نیک اختری برنشاند	درم داد و جنگ‌اوران را بخواند
ز گرد یلان کوه شد ناپدید	از آن کوه، سر سوی هامون کشید
هوا شد به کردار دریای خون	درخشیدن دشنه آبگون
همی روز روشن، شب تیره گشت	به گرد اندرون چشم‌ها خیره گشت

(مرادی، ۱۳۸۲: ۸۳ تا ۸۶، ۶۲۴-۶۸۸)

در همین چند بیت، به روشنی می‌توان تقلید شاعر از شیوه بیان فردوسی را دید. بیش‌تر جنگ‌های این مثنوی، با رجزخوانی پهلوانان در مقابل یکدیگر آغاز می‌شود و در این بخش‌ها نیز صور خیال، مبالغه و جمله‌های بکاررفته با اغراض هنری، به زیبایی کلام کمکی شایان توجه می‌کنند.

خروشید کای نام برده سوار!	بیامد بر حیدر نام دار
کزین پس نمانم ز نامت نشان	بگو تا کدامی ز گردن کشان؟
ز بهر چه این اشتهم کرده‌ای	چه می‌گرددی ایدر؟ چه گم کرده‌ای؟

(همان: ۹۲، ۷۹۶-۸۰۳)

رجزخوانی علی(ع) درمقابل زید بن افلج، وزیر و فرستاده «خاوران قباد»:

خداوند این تیغ و استر منم	چنین داد پاسخ که حیدر منم
برفتم رها کردم او را ز دام	همی آمدم بر پی آن غلام
به آیین و آرایش و راه خویش	چو بازآمدم سوی بنگاه خویش

(همان: ۱۰۰، ۹۵۶-۹۶۲)

در این داستان، نیروهای ماوراء طبیعی، عناصر خارق العاده و موجودات شگفت آور و خیالی، نمودی قابل توجه دارند. سروشی از عالم غیب همواره حضرت علی(ع) را یاری می‌رساند و راهنمایی می‌کند؛ مثلاً به او خبر می‌دهد که سپاهیان خاورزمین، قنبر را اسیر کرده و با خود برده‌اند(مرادی، ۱۳۸۲: ۸۲، بیت ۶۱۱)؛ همچنین در مبارزه با دیوان، جادوان و اژدهایان، به آن حضرت می‌آموزد که برای پیروزی بر آن‌ها آیه ستر بخواند (همان: ۱۹۰ و ۱۹۱)؛ بر فراز کوه بلور، همین سروش به علی(ع) می‌گوید که نباید دیو داخل صندوق را آزاد کند(همان: ۱۹۲، بیت ۲۵۷۶ به بعد). در این حماسه، خواب و رویا نقشی بسیار تعیین کننده دارد. پیامبر (ص) به ظاهر در مدینه است؛ ولی عملاً به خواب سپاه اسلام می‌آید و جنگ را پیش می‌برد. علی (ع) بر سر پنج راهی، آن حضرت را در خواب می‌بیند که به او می‌گوید باید از راهی برود که به سلامت می‌رسد (همان: ۱۱۴ و ۱۱۵). از جمله عوامل معنوی یاری گر مسلمانان، دعاست. علی(ع) دعا می‌کند که مردم قلعه سفیان، به سبب مسلمان نبودن، به شمشیر او کشته نشوند(همان: ۸۳).

پیش از این‌ها گفتیم که «خاوران‌نامه»/بن حسام، تقلیدی تمام و کمال از «شاهنامه» فردوسی است. تقلید در بخش اصلی حماسه، یعنی آنجا که داستان روایت می‌شود، بسیار روشن‌تر و چشمگیرتر، و در مقدمه اثر، کمرنگ‌تر است؛ بنابراین و با توجه به اینکه تقلید، آفت ابداع است، می‌توان نتیجه گرفت که استقلال کلام شاعر در بخش‌های خارج از متن داستان، به مراتب بیش‌تر است. در این اثر، تقلید از «شاهنامه» فردوسی، در دو حوزه لفظی و محتوایی قابل بررسی است. از جهت لفظ و شیوه سخن‌پردازی، در این اثر ابیاتی می‌بینیم که عیناً یا با تغییری اندک، از «شاهنامه» فردوسی گرفته شده‌اند. چند نمونه:

ابن حسام:

رصد بند طاق و رواق سپهر
فروزنده انجم و ماه و مهر
(مرادی، ۱۳۸۲: ۴۳، بیت ۸)

فردوسی:

خداوند کیوان و گردان سپهر
فروزنده ماه و ناهید و مهر
(فردوسی، ۱۳۷۹، ۱۲/۱، بیت ۳)

ابن حسام:

شبی بود برسان دریای قیر
نه خورشید پیدا نه بهرام وتیر
(مرادی، ۱۳۸۲: ۱۱۰، بیت ۱۱۵۲)

فردوسی:

شبی چون شبه روی شسته به قیر
نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر
(فردوسی، ۱۳۷۹: ۶/۵، بیت ۱)

و اما مثنوی «خاوران نامه» در قرن نهم هجری قمری سروده شده است. این عصر از جهت سبکی، پیش درآمد سبک هندی است؛ اما چون «خاوران نامه»، تقلیدی از «شاهنامه» فردوسی است، در این حماسه، هیچ اثری از سبک رایج در آن عصر دیده نمی‌شود و بالعکس، آثار کهنگی سبک در آن نمایان است.

ویژگی‌های سبکی شاخص این اثر بدین شرح است: اشاره به آیات و احادیث، اشعار ملمّح، کاربرد جمله‌ها برای اغراض بلاغی خاص، صنایع بدیعی، صور خیال.

کلمات: از نظر واژه‌گزینی، نکات ذیل در این اثر، جلب نظر می‌کند: بکار بردن کلمات کهنه به تقلید از فردوسی: نژند، باز(به سوی)، پذیره، و دیگر(دوم و دیگری)، سخن، خواسته(ثروت)، غو، شتاب(خشم)، میندیش(مترس)، ایچ(هیچ)، شد(مرد)، برآهیخت(برکشید)، بدسگال(دشمن)، چرنگیدن(صدای آلات جنگی هنگام استعمال)، داوری(جنگ و جدال)، نوان(لرزان)، نیارست(نتوانست)، آزرده(مجروح)، دستور(وزیر)، سفت(شانه)، گرفتن(شروع کردن)، دهید(بزنید)، کهن، بمولیم(درنگ کنیم)، بددلی(ترس)، گریغ(گریز).

بکاربردن کلمات ممال؛ مثل: رکیب، سلیح، رمیح.

بکاربردن کلمات کم کاربرد و نامأنوس؛ مثل: اُشتلم کردن(لاف پهلوانی زدن، تندی و خشونت کردن)، غشمشم(مرد دلیر و بی باک و ثابت و محکم).

استفاده از معادل‌های فارسی برای واژگان عربی: روح پاک(روح القدس).

در این مثنوی، تقلید از «شاهنامه» فردوسی در دو حوزه لفظی و محتوایی به وضوح دیده می‌شود. این مسأله در بخش اصلی حماسه، بیش‌تر و در مقدّمه، کم‌تر است و بدین ترتیب استقلال کلام شاعر در بخش‌های خارج از متن داستان، به مراتب بیش‌تر است. از

جهت لفظ و شیوه سخن پردازی، برخی ابیات «خاوران‌نامه»، عیناً یا با تغییری اندک، از «شاهنامه» فردوسی گرفته شده‌اند و علاوه بر آن، در جای جای حماسه، شیوه بیان فردوسی آشکارا دیده می‌شود. از دیگر جنبه‌های قابل توجه در این حماسه می‌توان بیان طنزگونه، نمود یافتن ادبیات غنایی در جاهایی از داستان، تعصبات مذهبی شاعر و نیز مناجات‌های زیبای او در خلال ابیات را ذکر کرد.

از جمله مهم‌ترین معایب این اثر می‌توان موارد ذیل را ذکر کرد: تقلیدی بودن، نقاط ضعف داستان، حشو و زیاده‌گویی در برخی ابیات، اشکال در وزن و قافیه بعضی ابیات، برخی اشکال‌های نحوی و نیز متناسب نبودن صور خیال در بعضی موارد. از آنجا که «خاوران‌نامه»، تقلیدی از «شاهنامه» فردوسی است، در این حماسه، هیچ اثری از سبک رایج در قرن نهم دیده نمی‌شود و بالعکس، آثار کهنگی سبک در آن، کاملاً نمایان است.

فرضیه پژوهش

با بررسی و مطالعه دقیق دو اثر فاخر «خاوران‌نامه» و «شاهنامه» درمی‌یابیم که حماسه‌ها می‌توانند مهم‌ترین زیرساخت جامعه‌شناسی ادبی برای همه فرهنگ‌ها به حساب آیند. «شاهنامه» مهم‌ترین حماسه ملی و «خاوران‌نامه» مهم‌ترین و اولین حماسه مذهبی بعد از اسلام در ایران است.

اهداف پژوهش

اثبات ماندگاری فرهنگ ایران توسط «شاهنامه» در اوج اقتدار و تسلط اعراب بر این سرزمین؛ اثبات دل‌بستگی ایرانیان به شعایر دینی اسلامی و خاندان ائمه هدی با توجه به جایگاه خاصی که برای «خاوران‌نامه» قائل بوده و هستند؛ شناخت ویژگی‌های هم‌سان سبکی و مضمونی در دو نسخه «خاوران‌نامه» و «شاهنامه».

تعریف و تبیین واژه اسطوره

«اسطوره واژه‌ای است معرب از یونانی historia به معنی جست‌وجو، آگاهی و داستان؛ و از مصدر historian به معنای بررسی کردن و شرح دادن؛ واژه اروپایی برابر آن (myth)

در انگلیسی؛ myhhe در فرانسه؛ myth در آلمانی؛ از واژه یونانی mythos به معنای شرح، خبر و قصه گرفته شده است» (بهار، ۱۳۵۲: ۲۲). «در نثر نوشته‌های فارسی، واژه اسطوره بیش‌تر از واژه میث به کار رفته است. از جهت ریشه‌یابی آن، بعضی گفته‌اند واژه mythe از ریشه mutus می‌آید که به معنای گنگ و خاموش است و این مفهوم خاموشی، در مورد اموری مصداق و معنی پیدا می‌کند که به اقتضای ذات و سرشت‌شان، خبر از راه نماد، بیان شدنی نیست» (ستاری، ۱۳۷۲: ۳۰). باید گفت بنا بر آنچه از نوشته‌های محققین اسطوره‌شناس برمی‌آید می‌توان دو نوع تعریف برای اسطوره در نظر گرفت. نخست تعریفی که سنت گرایانی چون رنه گنون و تیتوس بوکهارت و روان کاوانی چون فروید و یونگ و ساختارگرایانی چون ژرژ و دومزیل و استروس از آن پیروی کرده‌اند و برای اسطوره معنایی رمزی و نمادین قائل شده‌اند، و دیگری تعریف مرسوم و متداول آن در نزد عامه است که اسطوره را بی معنی می‌پندارند. به عبارت دیگر «بعضی از واژه اسطوره فقط داستان موهوم (fiction, fable) و برخی دیگر الگوی لازم الاتباع، اسوه حسنه که منشأ فوق انسانی دارد و همچون سنتی مقدس از پیشینیان به بازماندگان می‌رسد، را اراده کرده‌اند» (ستاری، ۱۳۸۳: ۵).

آری مطالب تاریخی و مذهبی و واقعی با گذشت ایام، تبدیل به افسانه شده است. پس اسطوره بیانی است که ژرف ساخت آن حقیقت و تاریخ (در نظر مردمان باستان) و روساخت آن افسانه می‌باشد. اساطیر در مواجهه با حقیقت تبدیل به تاریخ می‌شوند و امروزه وجه راستین بسیاری از اساطیر قدیم معلوم شده است. چنانکه اسطوره نابودی جزیره آتلانتیس که در آثار /فلاطون آمده است در دهه پنجاه قرن حاضر تبدیل به تاریخ و حقیقت شد. گاهی اوقات اسطوره همان مذاهب منسوخ ملل قدیم است که امروزه دیگر کسی به صورت خودآگاه بدان توجهی ندارد، اما یحتمل به صورت ناخودآگاه در بسیاری از رفتارها و پندارهای ما مؤثر است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۹۶). «اسطوره انسان را به دنیای ماورای تاریخ برمی‌گرداند و موجب می‌شود تا آدمی در اوقات معدودی رابطه خود را با زمان عینی بگسلد و خود را یک لحظه در زمان سرمدی آغاز آفرینش که لحظه‌ای تجلی‌گاه الهه و وزیدن‌گاه نفخه الهی است، وجودی نامحدود و فناپذیر احساس کند» (الیاده، ۱۳۷۸: ۹۶).

تعریف حماسه و انواع آن

حماسه در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است و از قدیمی‌ترین و مهیج‌ترین انواع ادبی است. «در اصطلاح، نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد» (صفا، ۱۳۶۹: ۳).

حماسه (epic): حماس و حماسه در لغت عرب به معنی شدت در کار است و از این ریشه صفات احمس، جمع احامس، یعنی جای سخت و درشت و مرد درشت در دین و دلیر در حرب؛ حماس به همین معنی پدید آمده. بعضی از قبایل عرب مانند قریش و کنانه و بنی عامرین صعصعه را به جهت شدت و خشونت ایشان، حماس می‌نامیدند. اندک اندک «حماسه» بر «شجاعت» نیز اطلاق شد؛ زیرا مرد شجاع نیز هنگام نبرد، در عین شدت و درشتی با دشمن برابری می‌کرد (صفا، حماسه سرایی در ایران: ۶).

منظومه‌های حماسی از دیدگاه صاحب‌نظران به انواع مختلفی از جمله ۱- منظومه‌های حماسی اساطیری و پهلوانی ۲- منظومه‌های حماسی تاریخی ۳- منظومه‌های حماسی دینی ۴- منظومه‌های حماسی مصنوع تقسیم شده است (همان: ۵). در حماسه، تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته است. اما همانطور که فردوسی در این ابیات می‌گوید: خواننده باید از سطح افسانه‌ای آن بگذرد و به ژرف ساخت و حقیقت آن برسد:

تو این را دروغ و فسانه مدان
به یک سان روش در زمانه مدان
از او هرچه اندر خورد با خرد
دگر بر ره رمز معنی برد
(فردوسی، ۱۳۶۹: ۹)

و نکته آخر اینکه حماسه مولود رویدادها به ویژه رویدادهای رزمی است. رویدادهایی که با تکیه بر سنت پهلوانی خاندان‌های پدرسالار شکل گرفته، رشد کرده و گسترش یافته است. به طور کلی می‌توان در ادبیات ملل مختلف دو نوع منظومه حماسی را یافت. نخست: منظومه‌های حماسی طبیعی و ملی که عبارت است از نتایج افکار، قرایح و علایق و عواطف قوم یا ملتی که در طی گذشت قرون متمادی تنها برای بیان شکوه و عظمت نبوغ قوم خود به وجود آمده، و پر است از سرگذشت جنگ‌ها و دلاوری‌ها و فداکاری‌ها و جانفشانی‌ها و در عین حال مملو است از آثار تمدن و مظاهر روح و فکر مردم یک کشور

در قرون معین از ادوار حیاتی ایشان که معمولاً از آن‌ها به دوره‌های پهلوانی تعبیر می‌شود؛ مثل «ایلیاد و اودیسه»، افسانه «گیلگمش»، «شاهنامه» و... دوم: منظومه‌های حماسی مصنوعی که در این منظومه‌ها سر و کار شاعر با داستان‌های پهلوانی مدوّن نیست بلکه خود به ابداع و ابتکار می‌پردازد و داستانی را از پیش خود به وجود می‌آورد» (مختاری، ۱۳۶۸: ۱۹).

در باب تکوین حماسه ایرانی چنین می‌توان اظهار داشت که «حماسه ملی ایرانی از روزگار مهاجرت اقوام آریایی به ایران آغاز شد، و پس از آمدن آن قوم به ایران با افزایش عناصری جدید تکامل و توسعه یافت، و این تکامل و توسعه با حوادث اجتماعی و دینی و ملی روز افزون بود و روایات و داستان‌های حماسی که از این طریق تدریجاً پدید آمده بود در اواخر عهد ساسانیان به حد اعلای کمال و عظمت رسید» (صفا، ۱۳۷۹: ۲۸).

حماسه دینی و مذهبی در ادبیات فارسی

حماسه دینی در ادبیات کشورمان از روزگار باستان تا کنون، راه درازی را پیموده است. از «یادگار زریران» به عنوان نخستین اثر بازمانده از اینگونه آثار به زبان پهلوی یاد می‌شود. در دوران اسلامی، ایرانیان مسلمان به ویژه شیعیان، در آثار منظوم فراوانی به شرح فضایل و مناقب بزرگان دین، به ویژه شرح رشادت‌های امام علی (ع) در جنگ‌ها پرداخته‌اند. اینگونه آثار که گاه با عناصری از افسانه، تاریخ و اسطوره در هم آمیخته‌اند، فصل شورانگیزی از ادبیات کشورمان را رقم زده‌اند. در این جستار، با ارائه تعریفی از حماسه دینی، به سیر اینگونه حماسه‌ها در تاریخ کشورمان پرداخته، ویژگی‌های برخی از حماسه‌های مهم دینی چون «خاوران نامه»، «حمله حیدری»، «صاحبقران نامه» و «مختارنامه» را به طور خلاصه بررسی می‌کنیم.

پیرایه مردان خدا حیدر کرار	آن هم نسب و هم نفس احمد مختار
آن حاجب بار در اسرار پیمبر	آن میر دلیر سپه دین جهاندار

(قوامی رازی)

«حماسه دینی و مذهبی به توصیف قهرمانی‌های بزرگان و اولیای دینی هر قوم اختصاص دارد. این نوع حماسه به بیان مشکلات و جانفشانی قهرمانان و بزرگانی

می‌پردازد، که فداکاری آن‌ها نقشی بسزا در تکوین و ریشه دار شدن دین و مذهب یک قوم ایفا کرده است» (حسن امامی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند: ۷). حماسه‌های دینی، یادگار مجاهدت گروهی برای حفظ دین و نبرد با معاندان و برانداختن آداب و رسوم است که خلاف عقاید دینی تشخیص داده می‌شود. نخستین حماسه بازمانده از این دست در ایران، یادگار زیران (ayayadgare zareran) است که متنی حماسی به زبان پهلوی است و شرح و وصف نبرد ایرانیان با خیونان (Hyaona) برای پاسبانی از دین زرتشت است. در واقع این حماسه مربوط به دوران آغازین دین زرتشت است که بهترین دوران برای تشکیل حماسه‌های دینی بوده است. پس از اسلام و رواج شعر فارسی، اکثر قریب به اتفاق شاعران فارسی زبان که خود پرورده دین اسلام بودند، اشعار خود را در خدمت دفاع، تبلیغ و ترویج دین اسلام قرار دادند که آغاز دواوین اشعار، تحمیدیه‌ها، نعت پیامبر و ائمه اطهار (ع) و خلفه بیان‌گر این موضوع است. در تاریخ شعر فارسی، اشعار دینی از شاعران مانند کسائی مروزی و ناصر خسرو آغاز شد و بعداً به وسیله شاعران شیعی مذهبی از قبیل قوامی رازی شاعر قرن ششم هجری و ابن حسام خوسفی شاعر قرن نهم و محتشم کاشانی شاعر قرن دهم تکمیل شد.

پس از آن در تمام دوره صفویه و قاجاریه ادامه یافت این اشعار که حماسه‌های دینی را هم باید در شمار آن‌ها دانست، معمولاً در ذکر مناقب یا مصائب اولیای دین و پیش‌روان تشیع سروده شده است. رواج این نوع شعر در دوره صفویه که عهد تقویت مذهب تشیع و رسمی شدن آن در ایران است، که از هر دوره دیگر بیش‌تر بوده و در دوره قاجاری نیز رواج نیفتاد (صفا، ۱۳۶۳: ۸۹). همین نوع حماسه یا مفاخره مذهبی است که در نهایت منجر به پدید آمدن گروهی به نام «مناقبیان» یا مناقب خوانان شد که به ذکر بزرگی و علو مقام پیشوایان خود، به ویژه در شیعه می‌پرداختند. از آثار شیعه در قرن ششم هجری معلوم می‌شود که دسته‌ای خاص به نام مناقب خوانان یا مناقبیان ظاهراً از عهد آل بویه به بعد، در ایران سرگرم کار بودند. کار این دسته آن بوده که مردم بر گرد آن‌ها اجتماع می‌کردند و به اشعاری که مناقب خوانان در وصف ائمه اطهار (س) می‌خواندند، گوش فرا می‌دادند. همراه این مناقب، حکایاتی هم نقل می‌شد که در آن‌ها از شجاعت‌های علی بن ابیطالب (ع) سخن می‌رفت. این کار مقدمه ایجاد داستان‌های

قهرمانی و منظومه‌های حماسی دینی درباره مغازی *علی بن ابیطالب (ع)* و اولاد او شده، و از این راه چند منظومه بدیع در ادبیات فارسی به وجود آمده که همگی در بحر متقارب است، مانند «خاوران نامه» *ابن حسام* و «حمله حیدری» *بازل* و «حمله حیدری» *راجی کرمانی* و «خداوند نامه» *فتحعلی خان صبای کاشانی* و «اردیبهشت نامه» *سروش اصفهانی* و چند منظومه دیگر (همان: ۶۵).

در باب امام اول شیعیان، میان شیعه داستان‌هایی به تدریج پدید آمده که بعضی از آن‌ها مبنی بر حوادث تاریخی یعنی جنگ‌های او در حیات محمد بن عبدالله (ص) و هنگام خلافت و شجاعت‌های وی است، به تدریج عناصر داستانی بر آن‌ها افزوده شده است، و برخی از این داستان‌ها به کلی دور از حقیقت تاریخی و افسانه محض است که اندک اندک میان ملت ایران و بر اثر اخلاص شدید این قوم نسبت به حضرت *علی (ع)* و در آمدن او در صف پهلوانان ملی به وجود آمده است. مردم با توجه به عشق و علاقه شدیدی که به مقام شامخ حضرت *علی (ع)* داشته‌اند، افسانه‌های زیادی درست کرده‌اند که با واقعیت‌های تاریخی هم‌خوانی ندارد و بیش‌تر برگرفته از روحیه شخصی افراد بوده که به صورت روحیه جمعی درآمده است. یعنی افسانه و واقعیت به هم آمیخته شده است و نشان از روح جمعی یک امت دارد. مثلاً افسانه نبرد و مسابقه حضرت *علی (ع)* با رستم و تفوق و برتری آن حضرت مشهور است: رستم با دو دست خود و تمام توان نمی‌تواند حضرت *علی (ع)* را از زمین جدا سازد. اما آن حضرت با انگشت بر کمرگاه رستم می‌زند و به آسانی او را بلند می‌کند:

قوت بازوی او سطوت رستم ببرد
پنجه شیرافکنش فر غضنفر شکست

افسانه‌هایی اینچنین در سراسر ایران (و شاید خارج از ایران) وجود دارد. در رودسر (گیلان) صخره‌ای است به نام پنجه *علی (ع)*. این صخره به گونه‌ای است که هر آن ممکن است فرو ریزد. به گفته مردم، حضرت *علی (ع)* با دست مبارک خود، آن را نگاه داشته است. اینگونه حکایت‌ها، بازگوکننده این است که اسطوره و افسانه می‌تواند از منطق زمان و مکان خارج باشد. به عبارت دیگر، افسانه و اسطوره بی مکان و بی زمان است. مواجهه حضرت *علی (ع)* با قباد و تهماسب، حکایت از زمان شکنی دارد، زیرا این دو شخصیت در زمان آن حضرت نمی‌زیستند و حضور حضرت *علی (ع)* در سرزمین‌های

خاور(ایران، هند و...) حکایت از بی مکانی است. چنین بی زمانی و بی مکانی در «خاوران‌نامه» دیده می‌شود(واقعیت و اسطوره در شعر ابن حسام خوسفی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، صص ۵۴-۵۳).

پس از ابن حسام، مثنوی حماسی دینی او مورد تقلید دیگران قرار گرفت که از جمله می‌توان به اثر ارزنده «حملة حیدری» اشاره کرد. «حملة حیدری» راجع به زندگانی محمد بن عبدالله(ص) و علی بن ابیطالب(ع) است که با حمد خداوند و نعت پیامبر(ص) و علی(ع) و ائمه اطهار و صاحب الزمان(عج) آغاز شده، به بعثت پیامبر و احوال محمد بن عبدالله و علی بن ابیطالب(ع) و غزوات و احوال او تا پایان خلافت و ضربت خوردن و وفات وی پایان می‌پذیرد. این کتاب از روی کتاب «معارج النبوة ومدارج القنوة» تألیف معین بن حاجی محمد الفراهی به نظم در آمده است. ناظم اصلی «حملة حیدری» میرزا محمد رفیع خان بادل پسر میرزا محمد است(حماسه سرایی در ایران، دکتر ذبیح الله صفا: ۳۸۰).

در همین دوره، منظومه‌های حماسی دیگری نیز وجود دارد همانند «صاحبقران‌نامه» که درباره سرگذشت سید الشهدا حمزة بن عبدالمطلب عموی پیامبر در دربار نوشیروان، و عشق او با دختر پادشاه ایران و جنگ‌های وی با شاهان توران و هند و ممالک فرنگ است که به تقلید از «شاهنامه» فردوسی است و در سال ۱۰۷۳ هجری به نظم در آمده و ناظم آن معلوم نیست.

«مختارنامه» از شاعری به نام عبد الرزاق بیگ دنبلی متخلص به مفتون درباره غزوات مختار بن ابی عبیده ثقفی، «شاهنامه حیرتی» منظومه‌ای به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف(مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن) از شاعران عهد شاه طهماسب اول در ذکر غزوات رسول و ائمه اطهار(ع)، «غزوانه اسیری» منظومه‌ای به بحر متقارب و به تقلید از «شاهنامه» فردوسی در شرح غزوات حضرت رسول اکرم(ص) است. در این منظومه‌های حماسی دینی بعضی از حالات و بزرگواری‌ها و شجاعت‌ها و دلیری‌های حضرت علی(ع) آمده است که بیش‌تر آن‌ها روایت‌های شفاهی بوده که با افسانه و اسطوره و تاریخ آمیخته شده است. حتی زمینه‌هایی از تفکر فولکلوریک در آن‌ها دیده می‌شود که سراینده‌گان آن با مهارت و استادی این موضوع‌ها را به تصویر کشیده‌اند و این نگاه نشان

از توانایی، ابتکار و تیزهوشی شاعران آن بوده است که با اعتقادی راسخ و بیانی شیوا، به رشادت‌های حضرت علی(ع) و یاران باوفایش، جدا از صورت شکوهمند واقعیت تاریخی، در قالب اسطوره‌ای اشاره می‌کنند. غیر از «حملة حیدری» *بازل* در باب برخی از احوال محمد بن عبدالله(ص) و سرگذشت علی بن ابیطالب(ع) و جنگ‌های او منظومه‌ای دیگر به نام «حملة حیدری» یا «حملة» در دست است که از مثنوی اولی مفصل‌تر است، و آغاز آن با مکالمه رسول خدا(ص) با فاطمه بنت اسد و تولد حضرت علی(ع) در بیت المقدس و بیان بعضی از حالات پیامبر و ازدواج او با خدیجه و بعثت به رسالت است(همان: ۳۸۵). ناظم کتاب یکی از شعرای قرن سیزدهم هجری به نام ملا بمانعلی متخلص به راجی از مردم کرمان است. اثر وی از لحاظ استحکام الفاظ و زیبایی قوی‌تر و استوارتر از «حملة حیدری» *بازل* است. در این کتاب نیز اسطوره و واقعیت به هم آمیخته شده و بعضی از تصورات ملی ایرانیان در آن اثر کرده است: همانند داستان دیوی که به خدمت پیامبر(ص) آمده و قبول دین اسلام کرده است.

از دیگر منظومه‌های حماسی دینی در این دوره، که بیش‌ترین بخش را به احوال علی بن ابیطالب(ع) و نبردهای او و خلافت وی، به خصوص جنگ صفین اختصاص داده، «خداوندنامه» *ملک الشعرا فتحعلیخان صبای کاشانی* است. این منظومه به تقلید از استاد طوس سروده شده و به همین سبب بسیاری از اصطلاحات «شاهنامه» را به عاریت گرفته، که بعدها مورد تقلید سروش *اصفهانی* قرار گرفت و مثنوی دینی و حماسی خود به نام «اردیبهشت‌نامه» را به تبعیت از او تألیف کرد، که شرح احوال پیامبر و ائمه اثنی عشر و صاحب *الزمان(عج)* و دیگر بزرگان دین است. وی پس از نعت پیامبر(ص) به ستایش امام اول شیعیان پرداخته و نمونه‌هایی از شجاعت، علم، حلم، سخاوت، ایثار و فداکاری و دیگر فضایل گوناگون آن امام همام را ستوده است. از دیگر منظومه‌های حماسی مذهبی دیگر که به کین خواهی از دشمنان امام علی(ع) و فرزندان او پرداخته است، می‌توان «دلگشانا» از *میرزا غلامعلی آزاد بلگرامی* در ذکر اخبار مختار بن عبیده تقفی را نام برد که به کین خواهی از امام حسین بن علی(ع) در کوفه قیام کرده است. «جنگ‌نامه» از شاعری متخلص به آتشی است که جنگ علی(ع) در بئر العلم با جنیان

و داستان جنگ حیدر کرار با ذو الخمار و با دیگر دشمنان را توصیف می‌کند که همه دارای جنبه حماسی و دینی اما از نظر ارزش و اعتبار ادبی نازل و سست‌اند.

سبک بیان ابن حسام

ابن حسام برای نشان دادن توان شاعری خود در بسیاری از قالب‌های شعری طبع‌آزمایی نموده است. از طرفی وی پای‌بند سنن ادبی با نگاه به شاعران گذشته بوده است. وی به طور کلی شاعری قصیده‌سرای توانمند قرن نهم هجری است که از سنت‌های ادبی، شعر و زیر و بم‌های سخن و فنون سخنوری استادان پیش از خود مانند ظهیر فاریابی، خاقانی، انوری، سنائی، خواجه، کمال‌الدین اسمعیل، سلمان ساوجی، حافظ، سعدی، حسن کاشی و کاتبی نیشابوری بهره‌وافی برده است.

ابن حسام از «شاهنامه» فردوسی در سرودن «خاوران‌نامه» خود به شدت اثر پذیرفته است. «اگرچه ابن حسام به سبک شاعران پیشین رفته و از آن‌ها در انواع شعر، به ویژه قصیده، تقلید کرده است؛ اما در تقلید، اقتفا و تضمین اشعار آنان قدرت و مهارت سخنوری خود را الحق نشان داده است» (ابن حسام، دیوان: ۱۸). ابن حسام در مواردی از جمله وزن، قالب و مضمون و محتوا از شعرای قبل از خود اثر پذیرفته است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود. فردوسی را بزرگ می‌شمارد و به تضمین بیتی از او می‌پردازد:

چو بگذشت جان قالب خاک را
به بخشید فردوسی پاک را
به فردوس مأوای او ساز کرد
به یک بیت او را سزاوار کرد
«جهان را بلندی و پستی تویی
همه نیستند آنچه هستی تویی»
(تازیان‌نامه: ۶۵)

ابن حسام در گزینش کلمات در جهت توصیف مناظر طبیعی و مجالس بزم به پایه فردوسی بزرگ نمی‌رسد. با وجود این در چنین توصیفات مهارت و توانمندی خاص دارد و این خود نشان‌گر آن است که ابن حسام بیش‌تر شاعر بزمی است تا شاعر رزمی و حماسی. نمونه آن:

چو مشاطه شب برآمد به بام
ز عنبر سیه کرد گیسوی شام
پری پیکران را مشی ساختند
ز بیگانه خرگه برداختند

ز رخ پرده شرم برداشتند
چو سرو اندر آمد به تاراج باغ
لب نوش لب، چشمه نوش دید
برش را سزاوار آغوش دید
که در پرده کاری دگر داشتند
رخ لاله گون دید همچون چراغ
(دیوان ابن حسام: ۱۹)

«بن حسام که در سرودن قصاید از شاعران پیش از خود در وزن و قافیه و ردیف، تقلید می‌کند جز آنکه ممدوح را چنانکه مورد اعتقاد اوست برمی‌گزیند. قصیده‌ای در مدح امیر المؤمنین علی (ع) با ردیف برف سروده که به تقلید از کمال الدین اسمعیل اصفهانی است به مطلع:

هرگز کسی نداد بدین سان نشان برف

گویی که لقمه‌ای است زمین در دهان برف

مانند پنبه دانه که در پنبه تعبیه است

اجرام کوه‌هاست نهان در میان برف

و نیز ابن حسام در قصیده‌ای که به فخریه مشهور است به یقین به خاقانی نظر داشته است» (دیوان ابن حسام: ۲۲).

ابن حسام در تصویرسازی شعرش از صنایع ادبی بهره می‌برد. توانمندی ابن حسام خوسفی سبب شده است تا وی بتواند تصاویر زیبایی بلاغی در شعر خود بیافریند و از سحر الفاظ در بیان خود بهره‌ها گیرد. بسیاری از توصیفات زیبا و هنرمندانه شعرش خاص خود اوست، وی در منظومه «خاوران نامه» خویش از هنرهای بیانی و بدیع در راه القای اندیشه‌های خود بهره برده است. وصف، عاملی مهم در شعر برای کمال بخشیدن به آن همواره مورد توجه شاعران بوده است، وصف در حقیقت ترسیم نمودن محسوسات و مشهودات است. وصف میدان‌های جنگ و شرح پهلوانی‌های قهرمانان یک اثر حماسی همواره مورد توجه شاعران حماسه‌سرا بوده است. بهترین توصیفات «خاوران نامه» خاص صحنه‌های نبرد است. ابن حسام آنچنان جزئیات صحنه‌های نبرد را به تصویر می‌کشد که گویا خود در آن صحنه حضور داشته است. در مبارزه ابوالمحجن با نوادر در توصیف میدان جنگ می‌گوید:

دلیران به شمشیر بردند چنگ

برآویخت با او نوادر به جنگ

ز سم ستوران در آن مرغزار ز هامون به گردون برآمد غبار

(تازیان‌نامه: ۷۳)

و گاه توصیفات شعری وی از عناصر خیالی از قبیل تشبیه، استعاره، تناسب و اغراق بهره می‌برد که اینگونه توصیفات نیز بیان‌گر توانمندی شاعر است. در ماجرای که پیامبر علی را به دنبال *ابوالمحقن* و سعد روانه می‌کند، *ابن حسام* می‌گوید:

به آهستگی شاه خیبرگشای برون راند دلدل به نام خدای
پیاده شد اندر رکابش سپهر فلک تاج بر سر نهادش به مهر
بپوشد قنبر همانگه سلیح به خفتان و جوشن به گرز و رمیح

(همان: ۸۰)

در نبرد رو در روی امیر المؤمنین با تهماس با سود جستن از توصیف به آمادگی پهلوان برای مبارزه اشاره می‌کند:

بفرمود تا اسب را زین کنند دم و یال او گوهر آگین کنند
یکی زین درخشنده چون آفتاب مرصع به پیروزه و لعل ناب
نهادند بر پشت جنگی پلنگ ببستند تنگ گرانمایه تنگ
بپوشید تهماس خفتان جنگ کیانی کمر بر میان بست تنگ

(همان: ۲۳۰-۲۲۹)

یکی دیگر از مختصات تصاویر شعر *ابن حسام* در «خاوران‌نامه» رعایت اعتدال در بکارگیری تصاویر است. چراکه تصاویر شعری او در خدمت اهداف حماسه است و مفاهیم شعر او دیرپاب نیست. رنگ اسلامی تصویرهای شعر *ابن حسام* از دیگر ویژگی‌های صور خیال وی محسوب می‌شود چراکه او در عصر تیموری زیست که دوران رونق شعر مذهبی بود.

چو چشم علی بر نبی اوفتاد فرود آمد از دلدل شیرزاد
به نزدیک پیغمبر آمد دوان تو گفתי همی برفشاند روان

(همان: ۳۱۳)

موضوع اصلی «خاوران‌نامه» جنگ و درگیری و توصیف دلاوری‌ها و قهرمانی‌های حضرت علی است، و شاعر با آوردن تشبیهات و استعارات حماسی و استفاده کردن از

لغات و واژه‌های مربوط به آلات و ابزار جنگ از جمله شمشیر، نیزه، خنجر، کمند، اسب، گرز، تیر و کمان، سپر، طبل، شیپور و بکار گرفتن صنعت غلو و اغراق یک فضای کاملاً حماسی و جنگی خلق کرده است.

ز رخسیدن تیغ و کوپال و خشت
هوا گشت بر سان باغ بهشت

(تازیان نامه: ۲۲۶)

ابن حسام شاعر زبردستی است. وی علاوه بر اینکه گاه همچون شاعران قبل از خود لب را به لعل و مژه را به تیر مانند می‌کند اما در اشعار خود تشبیهات نو و کاملاً اصیلی نیز به کار برده است که نمایان‌گر قدرت هنری وی می‌باشد. تشبیه در کلام *ابن حسام* اغلب در فضایی حماسی و با واژگان آن مطرح می‌شود:

بر اندام من موی چون دشنه شد
به خون تیغ سیراب من تشنه شد

(همان: ۳۰۴)

چو تیغ از میان بر کشد روز کین
بگرید چو ابر آسمان بر زمین

(همان: ۹۹)

تشبیه در کلام *ابن حسام* زمانی به اوج خود می‌رسد که هر یک از ارکان تشبیه نوعی جنبش و عظمت را به تصویر می‌کشد. با توجه به اینکه این اثر حماسی است اجزایی که در تشبیهات *ابن حسام* به کار رفته است از پدیده‌های طبیعی همچون کوه، آسمان و موجوداتی مانند شیر، پلنگ و... شکل می‌گیرد. *ابن حسام* با خوارق عادت از مفاهیم موهوم خیالی در عناصر تصویری شعرش یاری می‌طلبد و با آوردن مفاهیم محسوس سعی می‌کند آن را مادی سازد.

همه دشت شد پر سر و یال و دیو
بیفکند چندان ز دیوان گروه
برو سینه و سفت و چنگال دیو
که از کشته هر سوتلی شد چون کوه

(همان: ۱۱۳)

در شعر *ابن حسام* خوسفی نیز زیبایی‌های فراوانی از رهگذر استعاره به تصویر کشیده و خلق شده است. چراکه *ابن حسام* از میان تقسیمات استعاره از تشخیص (انسان انگاری، جاندار انگاری) به لحاظ کمیت و کیفیت بیش‌تر استفاده کرده است. تمامی این موارد بیان‌گر ذهن سیال و آفرینش‌گر *ابن حسام* است:

ز آسیب نعلش زمین خسته بود ز خون یلان خاک رخ شسته بود

(تازیان‌نامه: ۹۸)

استفاده از مثل در شعر/بن‌حسام زیرساخت بسیاری از انواع کنایه‌ها(تلویح، رمز، ایما، تعریض) را تشکیل می‌دهد که می‌توان به میزان بهره بردن وی از این آرایه پی برد. کنایات منظومه «خاوران‌نامه» به اعتبار مکنی عنه بیش‌تر کنایه از مصدر است. مثل‌ها با معنای کنایی:

کسی قطره هرگز به عمان برد ملخ تخت پیش سلیمان برد

(همان: ۳۱۶)

نگه دار سر رشته خوب و زشت که هر کس بیابد گلیم آنچه رشت

(همان: ۱۵۳)

بخش بزرگی از این کنایه‌ها همان‌هایی هستند که در شعر پیشینان به ویژه فردوسی مورد استفاده قرار گرفته است:

چو بشنید حیدر سرش خیره گشت همه شهر در چشم او تیره گشت

(همان: ۱۸۴)

در سفارش به آینده نگری می‌گوید:

گرت خرمنی هست فردا به کار بکش رنج و امروز تخمی بکار

(همان: ۱۹۸)

در «خاوران‌نامه» به کنایاتی برمی‌خوریم که ریشه در آداب و رسوم و فرهنگ مردم دارد و بازتاب رفتارهای فردی و اجتماعی آنان است. کنایاتی که گویا آیین زندگی هستند و رنگ عرف و عادت به خود گرفته‌اند. معمولاً در شعر حماسی، اغراق مبتنی بر تشبیه و اسناد مجازی است و/بن‌حسام با بکار بردن اغراق در منظومه «خاوران‌نامه» با تخیل قوی خود به شعرش حیات و حرکت می‌دهد. در موضوعات حماسی شعرش به خوبی از عنصر اغراق بهره می‌برد:

برفتند مردان جنگی ز جای زمین کر شد از ناله کرّ نای

(همان: ۱۰۴)

ابن حسام در ماجرای شبیخون علی(ع) بر تهماس در بیان فریاد رعدآسای علی و قدرت دلدل می‌گوید:

بزد نعره‌ای حیدر تیزهوش
به چرخ بلند اندر افتاد جوش
برانگیخت دلدل سپهدار دین
ز نعلش بجنبید ساحل زمین
(تازیان نامه: ۲۲۳)

در بخشی از «خاوران نامه» که مالک گرفتار دیو می‌شود، ابن حسام می‌گوید:

به روی و به موی و به چشم آن بهار
گل و سنبل و نرگس آبدار
خط و خال او دانه و دام دل
به خوبی دلارام و آرام دل
شکر بود و بادام چشم و لبش
دوای دل و طوق جان غنغش
(همان: ۱۱۷)

در بیت اول به ترتیب روی، موی، چشم، لف‌ها هستند و گل، سنبل و نرگس نشرهای مربوط به آن که لف و نشر مرتب ساخته است، و نیز در بیت بعد خط و خال، لف‌ها و دانه و دام نشرها هستند و نیز در بیت سوم شکر، لب است و بادام، چشم که از نظر لف و نشر مشوش استفاده کرده و تصویر زیبایی ساخته است:

شراب و کباب ار نداری مشور
که فرجام این هر دو تلخ است و شور
(همان: ۱۲۹)

در بیت زیر همراه شدن دیبا و خز و حریر حماسی نمی‌نماید اما در بیت دوم همراهی واژگان، فضای حماسی را در ذهن تداعی می‌کند و مراعات النظیری زیبا می‌سازد:

ز دیبا و دینا و خز و حریر
همان مفرش و فرش و تاج و سریر
ز شمشیر و گرز و کلاه و کمر
ز تیر و کمان و کمنند و سپر
(همان: ۱۱۱)

به دلیل مذهبی بودن «خاوران نامه» بیش‌تر اشارات او به اولیای دین و داستان‌های پیامبران و امامان است:

به دلو آرمیده زلیخای ماه
فروزنده چون یوسف از قعر چاه
(همان: ۶۳)

اشاره دارد به ماجرای یوسف و دلدادگی زلیخا، تمامی تلمیحات شعر/بن حسام خبر از آگاهی وی از داستان‌ها و اسطوره‌های دینی و تاریخی و طبیعی است:
لبت منبع چشمه آب نوش خضر بر کنار لبت آب نوش
(تازیان نامه: ۶۲)

که اشاره به خضر و آب حیات دارد.
در «تازیان نامه»/بن حسام از انواع جناس در مقایسه با دیگر هنرهای بدیعی بیش‌ترین استفاده را کرده است:

ز پیش پیمبر برون شد چو باد همی گفت جانم فدای تو باد
(همان: ۱۳۲)

باد قافیه است با جناس تام.
به تندی یکی بانگ بر زد به پای به کردار باد اندر آمد ز جای
(همان: ۱۳۲)

پای و جای جناس ناقص اختلافی دارند.
چنین است چرخ فلک را مدار تو چشم مدار از مدارش مدار
(همان: ۷۶)

تکرار واژه مدار با داشتن جناس.
به شب ماه قدرش از آن رو بتافت که قدر شب اندر قدر یافت
شب قدر او قدر او شد بلند وزان شب، شب قدر شد بهره مند
(همان: ۵۵)

که تکرار واژگان قدر و شب به گونه‌ای است که نه تنها بر موسیقی درونی شعر افزوده بلکه تأثیر سخن را نیز بیش‌تر ساخته است. صامت «ن» در این دو بیت سبب موسیقی و زیبایی آن شده است:

در این کشور از دانش و دین من چو آینه می‌تافت آیین من
کنون بختم آیین دیگر نهاد که آیینم از دین حیدر نهاد
(همان: ۸۱)

ابن حسام در دیوان شعری خود از اساطیر مختلف بهره برده است. وی با خلق مضامین نشانندن واژگان در جای مناسب صحنه‌هایی زیبا می‌آفریند. وقتی ابن حسام می‌گوید:

به اعتبار نظر کن که هیچ لایق نیست کمان معرکه در دست و پنجه حلاج

(دیوان ابن حسام: ۱۳۸، بیت ۲۲۴۲)

این فقط یک تلمیح نیست بلکه داستانی را بیان می‌کند که ژرف ساخت این تصویر است و درک آن آشنایی با زندگی حلاج را می‌طلبد. و یا:

فروغ لاله مگر عکس روی شیرین است که گرد کوه بر آمد بدیدن فرهاد
نشان همی دهد از خط و خدّ و بالایت بنفشه و گل نسرين و قامت شمشاد

(همان: ۳۲۶، بیت ۵۸۵۰-۵۸۴۹)

ادراک وجه شبه‌ها و پی بردن به مشبه‌ها یا مشبه به‌های محذوف نیاز به آشنایی با داستان یا اسطوره دارد. با توجه به نحوه بکارگیری اساطیر در شعر ابن حسام می‌توان گفت در تمام تصاویر شعری شاعر تلمیح به اساطیر پهلوانی، پادشاهی، روایات داستانی و پیامبران دیده می‌شود. او از اسطوره و شخصیت‌های داستانی در جهت خیال‌انگیزی شعرش و در راستای بیان مفاهیم ذهنی خود و ابلاغ پیام‌اش بهره می‌برد. ابن حسام قصص قرآنی را در دیوان و «خاوران نامه» به قصد تلمیح به کار گرفته است و اساطیر را حقایقی می‌داند که به اسطوره دگرگون شده‌اند.

ابن حسام و تأثیرپذیری او از فردوسی

شاعر «خاوران نامه» یا «خاورنامه» را چنین آغاز می‌کند:

نخستین بدین نامه دلگشای سخن نقش بستم به نام خدای

(تازیان نامه: ۴۳)

سپس به نعت رسول اکرم و خاندان گرامی‌اش می‌پردازد، و به توصیف آثار صنع

پروردگارش می‌پردازد و چنین می‌گوید:

محمد که آیین مختار داشت زبانش به «لا احصی» اقرار داشت

(تازیان نامه: ۴۸)

می‌کند. او از دیگران می‌خواهد که نیک بیندیشند، دادار دادگر را بپرستند و از موهبت عقل و اندیشه برای بهتر زیستن بهره ببرند. *ابن حسام* از حکیم دیار توس به شدت تأثیر پذیرفته است، و چنین می‌نماید که برای نوشتن «*خاوران نامه*» خود صحنه‌های شکوهمند «*شاهنامه*» فردوسی را با تمامی نکته‌هایش در ذهن دارد. آنجا که صحبت از توصیف است و صف‌های حماسی یا بزمی «*خاوران نامه*»، صحنه‌پردازی‌های «*شاهنامه*» را به یاد می‌آورد البته هرگز *ابن حسام* به پای فردوسی بزرگ نمی‌رسد.

از نظر فضاسازی و محتوا و محور اصلی مفاهیم حکایات «*خاوران نامه*» با اثر سترگ فردوسی شباهت‌های متعددی دیده می‌شود. البته وجوه افتراق نیز در بعضی از زمینه‌ها وجود دارد. برای نمونه اینکه *ابن حسام* با تغییر نام بسیاری از شخصیت‌های «*شاهنامه*» برای اثر خود شخصیت می‌آفریند و گاه به بهانه‌هایی از اسامی «*شاهنامه*» به طور صریح بهره می‌برد.

ابن حسام ابرمرد قصه‌های خود را در «*تازیان نامه*» از دیدگاه دینی مقدس می‌شمارد در حالی که «*شاهنامه*» چندان مجالی برای تکیه محض بر امور دینی نیست. «*شاهنامه*» تاریخ ایران باستان است با تمام جلوه‌هایش و با تکیه بر ارزش‌های ملی، اخلاقی، اجتماعی و... . اغراق آمیز بودن بسیاری از ابیات «*خاوران نامه*» به سبب حماسی بودن این اثر و به تصویر کشیدن صحنه‌هایی که فراتر از عقل و تصور و توهم بشر است نیز نشانه‌هایی پررنگ از «*شاهنامه*» را به همراه دارد. *ابن حسام* نخستین شاعری است که در چنین منظومه‌ای به طور گسترده از *علی سخن* می‌گوید، و رشادت‌های او را در شعر خود به تصویر می‌کشد، ضمن آنکه ویژگی‌های یک اثر حماسی را نیز در بر دارد.

دعوت به ارزش‌ها و فضایل بشری در «*شاهنامه*» موج می‌زند. مضمون اصلی «*خاوران نامه*» نیز نبرد نیکی و بدی است، و در خلال آن دعوت به ارزش‌هایی همچون عدالت گستری و ظلم ستیزی.

اگرچه او گاه ادعا می‌کند که شعر را به کمال رسانده است اما تواضع *ابن حسام* سبب شده که به ایرادهای خویش نیز اعتراف می‌کند. *ابن حسام* خود به تقدّم استاد طوس معترف است و به استادی او مقرر، و از این نکته بارها در «*خاوران نامه*» یاد می‌کند. *ابن حسام* در اشعار خود به تقلید از فردوسی آن هم در آغاز کتاب به خرد و دانش و جایگاه

شریف انسان اشاره می‌کند و به خردورزی توصیه و بر آن تأکید می‌کند. در آغاز کتاب *ابن حسام* می‌گوید:

خرد، کار فرمای و اندیشه کن
پرستیدن دادگر پیشه کن
(خاوران‌نامه: بیت ۹۰)

فردوسی همچون نویسندگان متن‌های پهلوی در اثر خود به بررسی چگونگی پیوند خرد با تن و جان آدمی می‌پردازد (حماسه‌سرایی در ایران: ۳۱۷) و می‌گوید:

خرد چشم جان است چون بنگری
که بی چشم شادان جهان نسپری
(شاهنامه)

«خاوران‌نامه»/ *ابن حسام* تقلیدی بی‌مانند از «شاهنامه» فردوسی است و پهلوان نامی آن الگوی جامعه بشری است. باورهای مذهبی گروهی از مردم می‌تواند اثرگذاری «خاوران‌نامه»/ *ابن حسام* را دوچندان نماید. *ابن حسام* همواره قهرمان برجسته اثر خویش را بزرگ می‌شمارد، و او را بهترین جلوه گاه ارزش‌های به کمال رسیده انسانی می‌داند. *ابن حسام* خوسفی شیعه مذهب است و او توانسته است در شعر خود آمیزه‌ای از حماسه، باورهای مذهبی، اسطوره و تاریخ را به گونه‌ای با هم همراه سازد. گفتنی است شاعر برای اندیشه‌های نمادین خود، تجلی گاهی بهتر از اسطوره‌ها را نیافته است. گاه *ابن حسام* در شعر خود پا را از زمان و مکان و مرز فراتر می‌گذارد و از تخیل نیرومند خویش بهره می‌برد، و نیز با تکیه بر دانسته‌های خویش در حقیقت قصه پرداز توانمند حکایات «خاوران‌نامه» می‌شود.

در تمامی آثار علمی و ادبی حتی پرمایه‌ترین و شاهکارترین آن‌ها نیز حتماً موارد معدودی از نکات مورد تأمل کنار محسنات آن دیده می‌شود، و گاه نویسنده و شاعر دچار تسامحاتی خواهد شد حتی فردوسی بزرگ هم در اثر ماندگارش به این امر اشاره دارد و در نقد «شاهنامه» اش می‌گوید:

اگر باز جویند از او بیت بد
همانا که باشد کم از پانصد
و *ابن حسام* نیز به ایرادهای کلام خود با فروتنی اشاره می‌کند و می‌گوید نکته‌دانان بر من عیب نگیرند:

بزرگی کن ای خرده‌دان در سخن
بر این کم‌خرد خرده‌گیری مکن

اگر عیب و ربی رود در سخن قلم در کش آنجا و عیبم مکن

(تازیان نامه: ۶۶)

بسیاری از واژگان که در «شاهنامه» فردوسی وجود دارد در «خاوران نامه» نیز دیده می‌شود که در این مجال اندک به برخی از آن واژه‌ها اشاره می‌شود.

یارستن:

سپه را برانگیخت از جای خویش نهادن نیارست کس پای پیش

(همان: ۱۲۸)

ایدر:

سران سپه را سوی دژ کشید که ایدر همه جای باید گزید

(همان: ۱۲۹)

نماز بردن:

زمین را ببوسید و بردش نماز ستودن گرفتش زمانی دراز

(همان: ۱۲۳)

در «خاوران نامه» هم مانند برخی داستان‌های «شاهنامه» همچون تراژدی رستم و سهراب نوعی «براعت استهلال» وجود دارد، مانند ماجرای صلصال و به بند کشیدن *ابوالمحجن* و بازگو نشدن نشانه‌های پرچم، که شباهت با «شاهنامه» را حکایت می‌کند. *ابن حسام* در «خاوران نامه» زمانی که دوره قطار به سر می‌آید و سفیان از طرف علی به شاهی می‌رسد و حصن ضمان به سهامه بن ربیع واگذار می‌شود علی به طرف خاورزمین به راه می‌افتد، نیمه‌های شب سواری پیدا می‌شود و به نزد علی می‌آید و نام و نشان او را می‌پرسد که این ابیات بسیار به کلام فردوسی مانده است، زمانی که رستم نشانه‌های خود را از سهراب می‌پرسد:

بگو تا کدامی ز گردنکشان کزین پس ز نامت نمانم نشان

(خاوران نامه: ۷۹۷)

و فردوسی می‌گوید:

بگو تا چه داری ز رستم نشان که کم باد نامش ز گردنکشان

ابن حسام در گزینش کلمات و ترکیبات و وصف صحنه‌های رزمی به پایه فردوسی بزرگ نمی‌رسد، و سخن‌اش فخامت و استواری سخنان فردوسی را فاقد است:

چو مشاطه شب برآمد به بام
ز عنبر سیه کرد گیسوی شام
پری پیکران رامشی خواستند
ز بیگانه خرگه بپرداختند
(خاوران‌نامه: ۲۴۸)

ابن حسام در قسمت «گفتار در ختم کتاب» باز هم از فردوسی بزرگ یاد می‌کند:

اگر بگذری بر گلستان من
گل و لاله بینی به بستان من
بهاری چو باغ ارم تازه روی
چو فردوس فردوسی از رنگ و بوی
(تازیان‌نامه: ۳۱۵-۳۱۴)

در «شاهنامه» موجودات عجیب، جن و شیاطین و حوادثی فراتر از تصور عقل موجوداتی که هر کدام مفاهیم نمادین خاص خود را به همراه دارند وجود دارد، و «تازیان‌نامه» نیز به تبعیت از «شاهنامه» فردوسی اینگونه است. ارتباط معنوی و باورهای متافیزیکی در حماسه‌های دینی جلوه‌ای خاص می‌یابد حتی در «شاهنامه» نیز ارتباط با عالم معنا دیده می‌شود. رستم بارها از خدای خود طلب یاری می‌کند برای مثال در مبارزه با اسفندیار می‌گوید: «خدایا تو دانی که بیداد کوشد همی».

شَفِیعی کدکنی معتقد است «قهرمان با خدایان سخن می‌گوید» (صور خیال در شعر فارسی: ۶۲)، و شعر ابن حسام از ارتباط و استمداد از خداوند و آل نبی لبریز است. استفاده ابن حسام از قرآن و حدیث هم در دیوان و هم در «خاوران‌نامه» فراوان است. بیت ۹۳ «تازیان‌نامه» که اشاره دارد به آیه ۱۱۵ سوره مؤمنون:

نه بر هرزه نقش تو آراستند
که از آفرینش تو را خواستند
(تازیان‌نامه: ۴۹)

در «خاوران‌نامه»، توجه ابن حسام به رؤیای صادق در خور تأمل است، «شاعر خوسفی اقرار می‌کند که ارتباط روحانی و رؤیایی‌اش با فردوسی موهبت سخنوری، خردورزی و نهایتاً سرودن «خاوران‌نامه» را به او بخشیده است. این خواب یادآور خوابی است که فردوسی پیش‌تر دیده و در آن دقیقی رسالت ادامه نظم «شاهنامه» را به او سپرده است» (مقاله زمینه‌شناسی فصلنامه خراسان پژوهی، پروین دخت مشهور: ۱۸۴)

و در این مجال تنها به نمونه‌ای از ابیات «تازیان نامه» که بسیار به کلام فردوسی همانند است اشاره می‌شود. / ابن حسام می‌گوید:

بسی رنج بردم بر این داستان
چه شب‌ها که تا روز نغوده‌ام
که آوردم آن را بدین آستان
که خون دل از دیده پالوده‌ام
(تازیان نامه: ۳۱۶)

و فردوسی:

بسی رنج بردن در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی
/ ابن حسام:

اگر خود همه تن به کشتن دهیم
از آن به که این ننگ بر تن نهیم
(تازیان نامه: ۱۵۸)

فردوسی:

سراسر همه تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم
«خاوران نامه» بر خلاف سیر طولانی «شاهنامه»، گردش دایره‌وار را دنبال می‌کند که در آن قهرمانان در پایان تعقیب و جست‌وجو بازمی‌گردند. حماسه / ابن حسام نقطه اتکای انتقال و جانشینی سریع درونمایه‌های اسلامی به جای عناصر گذشته ایران و نیز گواه مسلم رواج مباحث اسلامی و شیعی در ایران زمین بوده است. دولت‌شاه سمرقندی، ابن حسام را در جایگاه دهقانان به وصف می‌کشد. این امر را می‌توان انعکاسی آگاهانه از جایگاه فردوسی در جامعه دانست، اگرچه در وقفه زمانی میان این دو شاعر معنای این واژه و مرتبه اجتماعی آن اندکی تغییر یافته بود.

داستان شخصیت‌ها در متن حماسه / ابن حسام به لحاظ تاریخی کاملاً بی پایه و اساس است، اما حادثه کندن در خاور توسط علی بازتاب شاهکار مشهور او در محاصره خیبر است. / ابن حسام این نکته را تصریح می‌کند که منبع او کتابی به زبان عربی بوده است که وی آن را به شعر فارسی برگرداند. این امر بدون شک انعکاسی از ادعای بحث برانگیز فردوسی مبنی بر به نظم درآوردن کتابی پهلوی است و نیز دیگر شاعرانی که به منبعی بیگانه و نامتعارف به عنوان مأخذ اثر خود استناد می‌کنند. از سوی دیگر، / ابن حسام با وجود دگرگون سازی بنیادی جهان بینی «شاهنامه»، همچنان بر این نکته

اصرار می‌ورزد که «شاهنامه» الهام‌بخش اثر وی بوده است. روح فتوت، میان جهاد علی در مقابل مشرکان خاور و ارزش‌های سنتی بازمانده از داستان‌های قهرمانان ایران، پیوندهای عاطفی و اجتماعی برقرار می‌کند.

در «خاوران‌نامه» جنگ‌های تک نفره با دیوان و اژدها وجود دارد که از «شاهنامه» اقتباس شده است و دیگر، تناسبات و تشابهاتی درباره علی دیده می‌شود. برای مثال استر او، دلدل که همواره همچون یک اسب به تصویر کشیده است، شیری را می‌کشد، درست همانگونه که رخس در آغاز هفت خوان رستم چنین می‌کند، در «شاهنامه»، بهمن، بعد از ناتوانی در شکست رستم، فرمان داد گودالی حفر کنند و رستم را به منظور برقراری صلح به دربار فراخواند. رستم به این دعوت پاسخ مثبت داده و مطابق توطئه آن‌ها درون چاه افتاد و اسیر چاه غدر نابردار شد و زندگی‌اش پایان یافت. علی نیز به بهانه تمایل پادشاه به اسلام به دربار فرا خوانده شد. او نیز بعد از آنکه دلدل را با بدگمانی به جلو می‌راند مطابق نقشه به درون چاه افتاد. اما، علی و مرکب‌اش با توکل به خدا توانستند بر این مکر غلبه کنند. همچنین می‌توان به شباهت‌های بسیار میان تصویر یکی از نبردهای علی با صلصال و تصویرنگاری تیر کشنده رستم به چشمان اسفندیار اشاره کرد.

در «خاوران‌نامه» نیز خرق عادت موج می‌زند؛ برای نمونه علی(ع) در بزرگ خاور زمین را در حالی که در یک دست سپر دارد و در دست دیگر خنجر از جای می‌کند یا راز طلسمی هزار ساله با نگاهی گشوده می‌شود، و زخم‌های عمیق و کاری در طول یک شب التیام می‌یابند. بسیاری از تصویرهای حماسی شعر/ابن حسام به «شاهنامه» مانند است. مهم‌ترین وجه اشتراک این دو نبرد نیکی و بدی است. در «خاوران‌نامه» قهرمان علی(ع) است که تمام ویژگی یک قهرمان حماسی را در خود جمع دارد. همان موانعی که بر سر راه رستم است برای علی نیز وجود دارد اما علی نیز در برابر تمام نیروهای شر، پیروز می‌شود. رستم جهان پهلوان حماسه فردوسی دربردارنده تمامی خصایص پهلوانی است و به قهرمان حماسه شاعر دیار خوسف بسیار مانده است. علی که قهرمان نامی «خاوران‌نامه»/ابن حسام خوسفی است. اولین نامی که بر او نهاده شد، حیدر بود زیرا صلابت همچون شیر را در نبردهای گوناگون زندگی از خود نشان می‌داد. علی قهرمان

«تازیان نامه» با پلیدی‌ها به نبرد می‌پردازد و او حق است در برابر باطل، و حق همواره پیروز میدان مبارزه است، و باطل شکست می‌خورد.

در «تازیان نامه» سیاهی و تباهی و شر در هیأت دیو و جادو و غیره جلوه‌گر می‌شود و همه این‌ها سرانجام مغلوب فتوت علی می‌شود. همچون «شاهنامه» که هفت خوان، هفت مرحله دشوار برای قهرمان حماسی است در «خاوران نامه» نیز خوان‌های متعددی وجود دارد و چهارده خوان علی(ع) عبارت است از: «خوان اول: کشتن دیوی مار به دست. خوان دوم: کشتن اژدهای هفت سر. خوان سوم: هلاک کردن دیو و اژدها و نجات دادن سعد از چاه دیوان. خوان چهارم: گذشتن بر دشت گرم و سوزان و کشتن مهتر پیل گوشان. خوان پنجم: کشتن رعد جادوگر در شکل اژدها و نجات دادن ابوالمحقجن. خوان ششم: بیرون آمدن حضرت علی(ع) و دلداد از چاه مکر جمشید شاه. خوان هفتم: جنگ با دیوان در چاه و گشودن عمیاق دیو از بند و آوردن صندوق زر. خوان هشتم: ویران کردن حصار آهن‌ربای (جایگاه دیو عفریت) با تیر معجز نمای و کشتن جادوی بابلی در صندوق. خوان نهم: دلداد شیری را می‌کشد. خوان دهم: کشتن پری در کوه بلور. خوان یازدهم: کشتن اژدهای بزرگ با هفتاد ضربه ذوالفقار و آزاد کردن میز زنه‌ار خوار. خوان دوازدهم: کشتن اژدها و آوردن صندوق یادگار حضرت سلیمان(ع) برای پیامبر(ص). خوان سیزدهم: هلاک کردن زن جادو و رهانیدن مالک و روان از بند زن جادو. خوان چهاردهم: گشادن طلسمات دال و آگاهی یافتن بر شهر زرین.

نتیجه بحث

بر اساس آنچه گفتیم، در این بخش، مهم‌ترین ویژگی‌های «خاوران نامه» را بدین شرح برمی‌شمیریم:

به لحاظ جنبه‌های حماسی، این اثر، صرف نظر از بُعد دینی‌اش، تقلیدی تمام و کمال از «شاهنامه» فردوسی به شمار می‌رود و در قالب توصیف، روایت و بیان زنجیره‌ای از وقایع در پی یکدیگر عرضه شده است. قهرمان سازی در این حماسه، با حضور شخصیت‌های دینی چون حضرت علی(ع) و دیگر قهرمانان سپاه اسلام مانند ابوالمحقجن، مالک اشتر، سعد و قنبر، به گونه‌ای کامل صورت گرفته و حضور معنوی حضرت

محمّد(ص) در نبردها نیز مصداقی دیگر برای این مسأله است. در این حماسه دینی، میان مسلمانان و کافران (= غیر مسلمانان)، جنگ‌هایی متعدّد با انگیزه مذهبی در می‌گیرد و در نهایت، مسلمانان پیروز می‌شوند؛ وصف میدان کارزار، بسیار شبیه «شاهنامه» فردوسی است و در این توصیف‌ها، صور خیال و مبالغه، نمودی فعال دارد و تقلید شاعر از شیوه بیان فردوسی، کاملاً محسوس است. از جمله نیروهای ماوراء طبیعی، عناصر خارق العاده و موجودات شگفت آور و خیالی جلوه‌گر در «خاوران‌نامه» می‌توان این‌ها را نام برد: سروش غیبی، خواب و رویا، دعا، آیات قرآن، طلسم‌ها، موجودات خیالی، شخصیت‌های خارق العاده و فرا بشری، سحر و جادو، پیشگویی، و... .

در این مثنوی، تقلید از «شاهنامه» فردوسی در دو حوزه لفظی و محتوایی به وضوح دیده می‌شود. این مسأله در بخش اصلی حماسه، بیش‌تر و در مقدّمه، کم‌تر است و بدین ترتیب استقلال کلام شاعر در بخش‌های خارج از متن داستان، به مراتب بیش‌تر است.

از جهت لفظ و شیوه سخن‌پردازی، برخی ابیات «خاوران‌نامه»، عیناً یا با تغییری اندک، از «شاهنامه» فردوسی گرفته شده‌اند و علاوه بر آن، در جای جای حماسه، شیوه بیان فردوسی آشکارا دیده می‌شود. از دیگر جنبه‌های قابل توجّه در این حماسه می‌توان بیان طنزگونه، نمود یافتن ادبیات غنایی در جاهایی از داستان، تعصّبات مذهبی شاعر و نیز مناجات‌های زیبای او در خلال ابیات را ذکر کرد. از جمله مهم‌ترین معایب این اثر می‌توان موارد ذیل را ذکر کرد: تقلیدی بودن، نقاط ضعف داستان، حشو و زیاده‌گویی در برخی ابیات، اشکال در وزن و قافیه بعضی ابیات، برخی اشکال‌های نحوی و نیز متناسب نبودن صور خیال در بعضی موارد.

از آنجا که «خاوران‌نامه»، تقلیدی از «شاهنامه» فردوسی است. در این حماسه، هیچ اثری از سبک رایج در قرن نهم دیده نمی‌شود و بالعکس، آثار کهنگی سبک در آن، کاملاً نمایان است. ویژگی‌های سبکی شاخص این اثر عبارت‌اند از اشاره به آیات و احادیث، اشعار مملّح، کاربرد جمله‌ها برای اغراض بلاغی خاص، استفاده توانمندان از صنایع بدیعی، استفاده فراوان از صور خیال به‌ویژه در حوزه توصیف، نکات خاص در بخش واژه‌گزینی شامل بکاربردن کلمات کهنه به تقلید از فردوسی، استفاده از کلمات ممال و کم کاربرد و نامأنوس، استفاده از معادل‌های فارسی برای واژه‌های عربی، و کاربرد نادرست

برخی کلمات، ویژگی‌های دستوری خاص متن، برخی اشکال‌های نحوی موجود در آن و نیز تأثیرپذیری از نحو عربی.



کتابنامه

- اته، هرمان. ۱۳۵۶ش، **تاریخ ادبیات فارسی**، ترجمه صلق رضالده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- الیاده، میرچا. ۱۳۷۸ش، **اسطوره بازگشت جاودانه**، ترجمه بهمن سرکارتی، تهران: نشر طهوری.
- آیتی، محمد حسین. بی تا، **بهارستان**، تهران: دانشگاه تهران.
- بهار، مهرداد. ۱۳۵۲ش، **اساطیر ایرانی**، تهران: بنیاد فرهنگ ملی ایران.
- ثعالبی مرغنی، حسین بن محمد. ۱۳۷۲ش، **غرر السیر**، ترجمه محمد روحانی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- خوسفی، ابن حسام. ۱۳۸۱ش، **خاوران نامه**، نسخه موزه هنرهای تزئینی تهران، با تصاویر فرهاد شیرازی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خوسفی، ابن حسام. ۱۳۸۲ش، **تازیان نامه پارسی**، تصحیح حمیدالله مرادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رازی، امین احمد. ۱۳۷۸ش، **تذکره هفت اقلیم**، تصحیح، تعلیقات و حواشی سیدمحمدرضا طاهری، تهران: سروش.
- ریپکا، یان. ۱۳۸۵ش، **تاریخ ادبیات ایران**، ترجمه عیسی شهابی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ستاری، جلال. ۱۳۸۳ش، **اسطوره در جهان امروز**، تهران: نشر مرکز.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۱ش، **انواع ادبی**، چاپ دهم، تهران: انتشارات فردوسی.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۳ش، **گنج و گنجینه (نثر - شعر)**، برگزیده از دوره گنجینه و گنج سخن، تهران: عطار.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۷۸ الف، **تاریخ ادبیات در ایران از پایان قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری**، تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۷۸ب، **تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری**، تهران: فردوس.
- صوفی، لیلا. ۱۳۵۵ش، **زندگینامه شاعران**، بی جا: انتشارات جاجرمی.
- مختاری، محمد. ۱۳۶۸ش، **حماسه رمز و راز ملی**، چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- مرادی، حمیدالله. ۱۳۸۲ش، **تازیان نامه پارسی: خلاصه خاوران نامه ابن حسام خوسفی**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مقالات

- احمدی بیرجندی، احمد. پاییز ۱۳۶۴ش، «ابن حسام خوسفی، شاعری حق شناس اما ناشناخته»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹، صص ۱۹-۲۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

A Comparison on religious and National Epics' Stylistic Features Based on Shahnameh and Khavaran Nameh

Majid Reza Khazaei Vafa

Faculty Member, Islamic Azad University, Birjand Branch

Abstract

Hearing the term "epic" mostly evokes the works such as Shahnameh in minds and accepting Khavaran Nameh as a subcategory of literary – epic work is difficult for most of the people; since the main character of such works is real, historic and religious. Epic is one of the descriptive poetries which is based on description of heroes' glorious acts which can be individual or tribal. Religious epic traces a long path in our country since ancient era. Khavaran Nameh is one of the old religious ones for the Shiites in which the main subject is journey and Imam Ali's fights with Eastern countries accompanied with Malik Al Ashtar. Ferdowsi's Shahnameh is the greatest and most valid epic verse. Comparison of national epic and religious one based on Shahnameh and Khavaran Nameh is the main aim of the present research.

Keywords: Shahnameh, khavaran Nameh, stylistic criteria, religious epic.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی